



# پژوهشنامه حقوق کیفری

سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

شماره پانزدهم

صفحات ۲۴-۷



انجمن ایرانی حقوق جزا

DOI:10.22124/ol.2020.11606.1597

## ارزیابی و سنجش نظام احتساب مدت بازداشت قبل از صدور حکم

دکتر حسین آقایی جنت‌مکان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

### چکیده

یکی از مسائل مهم هنگام اجرای احکام قطعی مجازات، احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت قبل از محاکمه در میزان مجازات افراد است. در کشورهای مختلف جهان سه رویکرد در این زمینه وجود دارد: نخست: رویکرد عدم احتساب مطلق؛ دوم: رویکرد احتساب الزامی و سوم: رویکرد احتساب اختیاری. قوانین کیفری ایران از آغاز نظام قانون گذاری تاکنون ابتدا روش احتساب الزامی (قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲) را تجربه کرده است. پس از انقلاب اسلامی به روش احتساب اختیاری- قضایی روی آورد و در حال حاضر دوباره به روش احتساب الزامی (ماده ۲۷ ق.م.ا) علاقه نشان داده است. روش احتساب الزامی که در نتیجه گرایش نظام‌های حقوقی به رعایت موازین حقوق بشر وارد سامانه‌های کیفری کشورها گردیده به روشی جهانی بدل شده است به طوری که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز این روش را مبنای عمل قرار می‌دهند.

**واژگان کلیدی:** احتساب، بازداشت قبل از صدور حکم، نظام، اختیاری و الزامی

✉ h.aghaei@scu.ac.ir

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

## مقدمه

یکی از مسائل مهم در زمینه اجرای مجازات‌ها، نحوه محاسبه ایام بازداشت قبل از اجرای حکم به جای مجازات‌ها- به‌ویژه مجازات حبس- می‌باشد. در کل، در جهان سه نظام مختلف برای احتساب بازداشت قبل از صدور حکم وجود دارد:

نخست، نظام عدم احتساب مطلق؛ بر مبنای این روش، که یک روش قدیمی و متروک محسوب می‌شود، آغاز محاسبه زندان، تاریخ صدور حکم قطعی است، در نتیجه ایام بازداشت قبلی جزء دوران محکومیت حساب نمی‌شود (آخوندی، ۱۳۶۹: ۹۳).

دوم، نظام محاسبه قضایی (اختیاری) که در آن کسر مدت بازداشت موقت به نظر دادگاه صادرکننده حکم واگذار شده است (آشوری، ۱۳۹۲: ۱۶۹). این روش سبب می‌شود که در پاره‌ای موارد نابرابری در تحمل کیفر حبس برقرار شود.

سوم، نظام محاسبه قانونی (اجباری)، که در آن مدت بازداشت اجباراً از مدت محکومیت کاسته می‌شود و بقیه آن- در صورت وجود- به مرحله اجرا درمی‌آید. عیب روش سوم این است که سبب می‌شود قاضی هنگام تعیین کیفر، شدت عمل به خرج دهد و میزان مجازات را بیش از آن چه لازم است تعیین نماید.

قانون گذار ایران در دهه‌های گذشته رویکردهای متفاوتی را در این زمینه داشته است: ابتدا رویکرد احتساب الزامی (قوانین مجازات عمومی سابق ۱۳۰۴<sup>۱</sup> و ۱۳۵۲<sup>۲</sup>) را پایه‌ریزی کرد سپس رویکرد محاسبه قضایی یا اختیاری (ماده ۱۲ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) را در پیش گرفت و در حال حاضر دوباره به رویکرد احتساب الزامی یا اجباری (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) علاقه نشان داده است و آن را به قلمرو همه مجازات‌ها - افزون بر حبس- نیز گسترش داده است. به عبارت دیگر، قلمروهای کیفری نیز مشمول توسعه نظام احتساب اجباری قرار گرفته‌اند. هم‌چنین، نظام احتساب مدت بازداشت به قلمرو دادرسی‌های کیفری اختصاصی نیز تسری و تعمیم داده شده است. با توجه به این که مقررات مربوط به احتساب ایام بازداشت قبل از صدور حکم در زمره قوانین

۱. ماده ۱۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مقرر می‌داشت: «مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه بر حسب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد لیکن اگر قبل از صدور حکم موقتاً توقیف شده باشد مدت توقیف موقت از مدت حبس کسر خواهد شد.»

۲. ماده ۱۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مقرر می‌داشت: «مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد بازداشت مزبور به جای حبس یا جزای نقدی مندرج در حکم احتساب می‌شود.»

مساعدتر به حال متهم می باشند از این رو، نسبت به موارد محکومیت های پیشین نیز اجرا می شوند.

توسعه و تعمیم نظام احتساب اجباری با الهام گرفتن از موازین حقوق بشر و در راستای انسانی سازی مقررات و نیز کیفرزدایی می باشد. هم چنین قانون گذار سعی دارد رویکرد کیفرزدایی را توسعه و تعمیم بخشد به طوری که دامنه و قلمرو برخورداری محکومان از نهادهای ارفاق آمیز مواد ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را هموار سازد. قانون گذار کیفری ایران بدون دلیل موجه و منطقی از اعمال و به کارگیری نهاد احتساب اجباری در مجازات های حدی خودداری کرده است که به نظر می رسد تبعیض بین مجازات های حدی و تعزیری چندان موجه و مناسب نباشد. افزون بر آن تفسیر شعبه ششم دیوان عالی کشور در مستثنا نمودن جرم تعزیری موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵- رابطه نامشروع دون زنا- از شمول احتساب اجباری موضوع ماده ۲۷ همان قانون به هیچ وجه پذیرفته نیست و با اصول و قواعد حقوقی و نیز فلسفه قانون مجازات اسلامی به ویژه رویکرد کیفرزدایی مغایر است که خوشبختانه با تفسیر منطقی دیوان عالی کشور این بینش اصلاح شده است.

نبود یک مطالعه با ارزش تاریخی و منسجم در خصوص این موضوع باعث شد تا نوشتار حاضر تقدیم جامعه علمی کشور شود و قانون گذار را در رفع کاستی ها و کژی های قوانین جاری رهنمون گردد. در زیر ابتدا، احتساب بازداشت قبل از صدور حکم به جای زندان (۱)، سپس احتساب بازداشت قبل از صدور حکم به جای سایر مجازات ها (۲) و هم چنین تسری نظام احتساب به قلمرو دادگاه های اختصاصی (۳) و در نهایت انتقال نظام احتساب به قلمرو دادرسی های کیفری بین المللی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد (۴).

همان گونه که گفته شد، قانون گذار ایران، در ماده ۲۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ و مواد ۵۱۵ و ۵۱۶ ق.آ.دک ۱۳۹۲ از روش سوم پیروی کرده است. مواد فوق در برخی موارد متداخل و در مواردی با هم مغایر هستند. ماده ۲۷ ق.م.ا نحوه احتساب بازداشت قبل از صدور حکم را به چند دسته به شرح زیر تقسیم کرده است:

### ۱. احتساب بازداشت قبل از صدور حکم، به جای زندان

همان گونه که گفته شد، قوانین مجازات عمومی پیش از انقلاب (۱۳۰۴ و ۱۳۵۲) در خصوص محاسبه مدت بازداشت قبل از صدور حکم هر دو در ماده ۱۷ به نظام احتساب الزامی یا اجباری

تمایل داشتند. اما در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ ماده ۱۱۲ احتساب بازداشت قبلی را به- عنوان یکی از کیفیات مخففه تلقی و کسر آن از مدت زندان را پیش بینی نکرده بود (رویکرد قضایی- اختیاری). قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ با اتخاذ رویکرد احتساب اجباری، آن را در مجازات های تعزیری و بازدارنده پیش بینی کرده بود (ماده ۱۸).<sup>۲</sup> برای مثال چنانچه شخصی قبل از صدور حکم قطعی شش ماه در بازداشت به سر می برد و دادگاه وی را به ۲ سال حبس محکوم می نمود، هنگام معرفی به زندان دادگاه وظیفه داشت مدت ۶ ماه از حبس وی کسر کند. همین حکم در ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تکرار شده بود.

در حال حاضر، به موجب ماده ۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجراء حبس می گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به دلیل اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود...»<sup>۳</sup> ماده ۵۱۵ قانون آ.د.ک نیز با تکرار همین حکم مقرر می دارد: «مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می شود که محکوم علیه، به موجب حکم قطعی لازم اجراء، حبس شود. چنان چه محکوم علیه پیش از صدور حکم به دلیل اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تحت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می شود.» حکم ماده ۲۷ و ماده ۵۱۵ یکی است جز این که این دو ماده در بیان با هم تفاوت هایی دارند. از این رو، به نظر می رسد قسمت نخست ماده ۲۷ با وجود حکم، ماده ۵۱۵ منسوخ است. تنها تفاوت بین ماده ۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و ۵۱۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ این است که در ماده ۵۱۵ حالت «تحت نظربودن» متهم را نیز قید کرده است تا ابهام موجود در مورد احتساب این مدت به جای حبس قطعی برطرف گردد. بازداشت مذکور در مود ۲۷ و ۵۱۵ نیز عام و شامل هر نوع بازداشت اعم از بازداشت موقت یا بازداشت ناشی از عجز متهم از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه و حتی توقیف ۲۴ ساعته ضابطان دادگستری در جرم های مشهود می گردد (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۱۷۷). تبصره ماده ۵۱۵ قانون

۱. ماده ۱۲ مقرر می داشت: «مدت کلیه حبس ها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی می تواند موجب تخفیف در حکم تعزیری باشد.»

۲. ماده ۱۸ مقرر می داشت: «مدت کلیه حبس ها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد.»

تبصره- چنان چه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد، دادگاه پس از تعیین تعزیر، از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می کند.»

۳. سابقه این ماده را می توان در ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نیز یافت.

آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کمتر از ۲۴ ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود.»<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup> منظور از ایام بازداشت قبلی، ایامی است که متهم قبل از صدور حکم قطعی و شروع به اجرای آن، در نتیجه قرار بازداشت موقت یا عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل زندانی شده باشد (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۱۷۷؛ آخوندی، ۱۳۶۹: ۹۲). منظور از حکم قطعی، همان حکم لازم‌الاجرا است که در ماده ۴۹۰ قانون آ.د.ک مقرر شده است.<sup>۳</sup>

مفاد مواد ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تنها در جرم‌های تعزیری اجرا می‌شود و در جرم‌های به اصطلاح شرعی (به ویژه حدود) اجرا نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد محدود ساختن ایام بازداشت قبل از صدور حکم به مجازات‌های تعزیری معقول و منطقی نباشد زیرا تفکیک بین حدود و تعزیرات در این زمینه بر منهج صحیحی استوار نمی‌باشد. می‌توان از نظام احتساب در مجازات‌های شلاق حدی نیز استفاده نمود. جالب آن که قانون‌گذار با خلق مفهومی نامعین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ باعث ایجاد دشواری‌هایی در اجرای مقررات مربوط به احتساب ایام بازداشت قبل از صدور حکم شده است. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی برای نخستین بار از مفهوم تازه‌ای با عنوان «تعزیرات منصوص شرعی» یاد کرده است. این مفهوم محتوی، قلمرو و مصداق‌های روشنی در حقوق کیفری ایران ندارد و سبب ابهامات فراوانی شده است. ظاهراً پیش‌بینی این مفهوم به دلیل تأمین نظر شورای نگهبان بوده است که معتقد است اجرای اصول حاکم بر مجازات‌های تعزیری در خصوص تعزیرات منصوص شرعی<sup>۴</sup> جایز نمی‌باشد.

۱. قانون موافقت نامه انتقال محکومین به حبس بین ایران و قطر مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۶ روزنامه رسمی شماره ۱۹۰۰۶ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۲

۲. در پیشنهادات اصلاحی ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، یک تبصره اضافه شده که جایگزین ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌شود. تبصره مزبور مقرر می‌دارد: «اگر مدت زمان تحت نظریا بازداشت شدن متهم در احتساب ایام بازداشت شدن کمتر از ۲۴ ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز حساب می‌شود.»

۳. ماده ۲۷۸ ق. آ.د.ک سابق مقرر می‌دارد: احکام لازم‌الاجرا عبارتند از: الف- حکم قطعی دادگاه بدوی. ب- حکم دادگاه بدوی که در مهلت مقرر در قانون نسبت به آن اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نشده باشد و یا اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به آن رد شده باشد. ج- حکمی دادگاه بدوی که مورد تأیید مرجع تجدیدنظر قرار گرفته باشد. د- حکمی که دادگاه تجدیدنظر پس از نقض رأی بدوی صادر می‌نماید.

۴. برای آگاهی از مفهوم و مصادیق تعزیرات منصوص شرعی ر.ک: برهانی، محسن. تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم فقهی و مصادیق قانونی. فصلنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۴، ش ۱۰؛ ساریخانی، عادل و محمدهادی توکل پور. مفهوم شناسی «تعزیرات منصوص شرعی» با تأکید بر نظرهای شورای نگهبان. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۵، ش ۱۴؛ سلیمی چمکاکایی، احسان. بررسی تطبیقی آثار و قواعد مجازات‌های تعزیری منصوص و غیرمنصوص شرعی. پایان نامه

دیوان عالی کشور ایران نیز با پیروی از همین رویکرد، احتساب ایام بازداشت قبلی را در جرایم تعزیرات منصوص شرعی موضوع تبصره ۲ ماده ۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ جایز نمی‌داند. دیوان در یکی از آراء خود<sup>۱</sup> مقرر می‌دارد: «... و اما در مورد محکومیت متهمین به ۹۹ ضربه شلاق (اتهام رابطه نامشروع مادون زنا) و سپس کسر آن از مدت بازداشت، نظر به این‌که محکومیت تعزیری متهمین جزء تعزیرات منصوص می‌باشد به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل تخفیف و تعلیق نیست، لذا ... رأی مذکور نقض ... می‌شود.» بی تردید تصمیم دیوان عالی کشور فاقد منطق و مبنای حقوقی است و با ایراد جدی مواجه است (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۰۸)؛<sup>۲</sup> زیرا این تصمیم با رویه پیشین دیوان به‌ویژه در رأی شماره ۶۵۴ که در آن رویکرد احتساب گسترده را در پیش گرفته، مغایر است. ناگفته نماند، دیوان عالی کشور، در رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ با تایید نظر شعبه نهم دیوان و رد نظر شعبه ششم دیوان در خصوص اعمال مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری موضوع قلمرو ماده ۶۳۷ به اختلافات پایان بخشید.<sup>۳</sup>

کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲؛ رحمانیان، حامد و محمدجعفر حبیب زاده. معیار تفکیک «حدود غیر مذکور» از «تعزیرات منصوص» در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۲، ش ۸۴

۱. رجوع کنید رای شماره ۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ شعبه ششم دیوان عالی کشور که به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات را به عنوان تعزیرات منصوص شرعی از شمول مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب خارج دانسته است.

۲. برای آگاهی بیش تر ر.ک: یوسفی، ابوالفضل. یادداشتی بر رأی صادره در موضوع عدم کسر مدت بازداشت موقت از مجازات قضایی در جرایم تعزیری منصوص شرعی. در فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی. وابسته به پژوهشگاه قوه قضاییه، ۱۳۹۴، ش ۱۱

۳. اختلاف شعبه ششم و نهم دیوان عالی کشور در خصوص ماهیت جرم موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ - یعنی رابطه نامشروع دون زنا- منجر به رأی وحدت رویه زیر گردیده که متن رأی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور به شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ به شرح زیر می‌باشد: «مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیرات مجازاتی است که در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب قانون تعیین می‌شود و در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگاه اجازه داده شده، مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرائم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیرات منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازات‌های حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد از اطلاق ماده اخیرالذکر استثناء شده است بنابراین نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی را نسبت به محکومیت موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات اعمال کرده است به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص گردید. این رأی در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

نکات دیگری را که در قوانین فعلی مشخص نشده و باید به آن‌ها پرداخته شود این است که چنانچه فردی در کشور خارجی بازداشت شده باشد و بعد در نتیجه استرداد مجرمان به ایران بازگردانده شود باید جزء ایام بازداشت قبلی به‌شمار آید، اما، قوانین کیفری ایران در این زمینه ساکت هستند. در برخی کشورها نظیر فرانسه، بلژیک و سوئیس بازداشت ناشی از استرداد مجرمین جز ایام بازداشت قبلی به‌شمار می‌آید (آخوندی، ۱۳۶۹: ۹۲). احتساب ایام بازداشت قبلی در محکومیت به حبس دائم مصداق ندارد زیرا حبس ابد مدت زمان معینی ندارد تا بتوان ایام بازداشت قبلی را از آن کسر نمود. در مورد محاسبه مدت بازداشت قبلی به جای تبعید حکم صریحی در قانون پیش‌بینی نشده است اما با مستفاد از رأی وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور و نیز رویکرد قانون‌گذار به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌توان عقیده داشت که کسر ایام بازداشت از مدت تبعید منطقی و معقول به‌شمار می‌رود. دلیل این امر هم این است که ایام توقف در بیمارستان چه در دوران سپری کردن زندان و چه قبل از صدور حکم محکومیت، می‌بایستی در میزان حبس محکوم علیه محاسبه و از آن کسر گردد. مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، ... معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت می‌گیرد و مدت معالجه جز محکومیت وی محسوب می‌شود.»

#### ۱.۱. طرز محاسبه میزان حبس

یکی از مسائلی که اینجا مطرح می‌شود نحوه محاسبه میزان حبس است. قانون‌گذار کیفری ایران، ملاک و معیاری برای طرز محاسبه میزان زندان مشخص نساخته است. اما مدت زمانی که معمولاً در حکم دادگاه می‌آید، بر مبنای سال، ماه و روز محاسبه می‌شود. پیش از انقلاب، ماده ۴۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ مقرر می‌داشت: «از نظر احتساب مدت حبس هر یک ماه ۳۰ روز است و کسور آن به نفع متهم محسوب می‌شود.» (آخوندی، ۱۳۶۹: ۸۹) در حال حاضر، مبنای محاسبه ایام مذکور را نیز بایستی ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ دانست که سال را ۱۲ ماه، ماه را ۳۰ روز، هفته را ۷ شبانه روز و طول روز را ۲۴ ساعت می‌داند. قانون‌گذار فرانسه نیز

۱. قبل از انقلاب به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی بخشنامه ای از وزارت دادگستری در این زمینه صادر شد که در زمان خود راه گشا بوده است. متن بخشنامه به شرح زیر است: «چون در باره احتساب مدت محکومیت زندانیان در مراجع دادگستری و نظامی و دوایر زندان رویه واحدی موجود نیست به منظور جلوگیری از بروز هرگونه اختلاف و ایجاد وحدت عمل لزوماً متذکر می‌شود که مطابق مستنبط از احکام مربوطه قانونی مدت حبس هر یک ماه ۳۰ روز باید منظور شود و با لحاظ آن که سال ۱۲ ماه است احتساب سال هم دوازده سی روز باید ملحوظ گردد.»

معیار محاسبه مدت زندان را مشخص ساخته است. به موجب ماده ۱-۷۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مجازات یک روز زندان، ۲۴ ساعت است. مجازات یک ماه زندان، ۳۰ روز است. مجازات بیشتر از یک ماه، باتوجه به تعداد روزها بر اساس هر ماه محاسبه می‌شود. چنانچه فردی در اثناء روز به زندان معرفی گردد، برای وی یک روز کامل محاسبه می‌شود.

## ۲. احتساب ایام بازداشت قبلی به جای سایر مجازات‌ها

از لحاظ گسترش احتساب ایام بازداشت قبلی به تمام یا برخی از مجازات‌ها، نیز دو شیوه مختلف در جهان وجود دارد. اول، نظام احتساب موسع که در آن مدت بازداشت موقت را از مجازات‌های سالب آزادی و مجازات‌های محدودکننده حقوق، تدابیر تأمینی و حتی جزای نقدی کم می‌کنند. دوم، روش احتساب مضیق که در آن مدت بازداشت قبلی را فقط از مجازات حبس کسر می‌کنند. قسمت دوم ماده ۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک جدید ذیل فصل دوم از بخش اول (کلیات) از روش اول پیروی کرده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۲.۱. احتساب بازداشت قبل از صدور حکم، به جای شلاق

در صورتی که مجازات مورد حکم دادگاه شلاق تعزیری باشد به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه شلاق<sup>۱</sup> کسر خواهد شد. به موجب ماده ۲۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری ... باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق ... است.» بند ب ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نیز مقرر می‌دارد: «در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌گردد.» قید مجازات تعزیری در بند «ب» ماده فوق، برای جداسازی مجازات‌های حدی از شمول مقررات مواد ۲۷ و ۵۱۵ می‌باشد.

### ۲.۲. احتساب بازداشت قبل از صدور حکم، به جای جزای نقدی

همان گونه که در بالا گفته شد، چنانچه فردی در نتیجه صدور حکم قطعی از سوی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم شده باشد، دو حالت متصور است: نخست آن که، فرد قبل از صدور حکم قطعی دادگاه، مدتی را در بازداشت به لحاظ ارتکاب جرم سپری نکرده باشد، در این صورت باید جزای نقدی را تماماً پرداخت نماید؛ دوم، پیش از صدور حکم قطعی دادگاه، مدتی را در اجرای قرار تأمین کیفری در بازداشت به سر می‌برده است، در این صورت، قاضی دادگاه صادر کننده حکم، - اعم از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر - مکلف است ایام بازداشت قبلی را به ازای هر سیصد هزار

۱. در پیش نویس متن نخستین قانون ۱۳۹۲ هر روز معادل یک ضربه شلاق مقرر شده بود.



ریال یک روز کسر نماید. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ احتساب ایام بازداشت را تنها در خصوص مجازات زندان پیش‌بینی کرده بود به همین دلیل در مورد اجرای آن در خصوص جزای نقدی اختلاف وجود داشت که در نهایت این اختلاف به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۵۴ منجر گردید که با تفسیر موسع مقررات قانونی، احتساب ایام بازداشت قبلی را در خصوص جزای نقدی نیز ممکن دانست. متن رأی وحدت رویه به شرح زیر است:<sup>۱</sup> «به موجب تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی دادگاه مکلف است که ایام بازداشت قبلی محکوم علیه در پرونده مورد حکم را از مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده کسر کند. و چون حبس و جزای نقدی هر دو یک نوع و از مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می باشند و عدم محاسبه و مرعی داشتن ایام بازداشت قبلی برخلاف حقوق و آزادی‌های فردی است، علی هذا به حکم تبصره مذکور کسرمدت بازداشت از محکومیت جزای نقدی و احتساب تبدیل آن به جزای نقدی قانونی است ...»

ماده ۲۷ ق.م.ا ذیل فصل سوم با عنوان نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها نیز مقرر می دارد:<sup>۲</sup> «... در صورتی که مجازات مورد حکم، ... جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.» هم چنین به موجب تبصره یک ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «چنان چه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک روز از مجازات تعیین شده کسر می کند.»<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup> بند پ ماده ۵۱۶ ق.آ.د ک ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می شود.» منظور از مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، فصل سوم از بخش پنجم همین قانون خواهد بود. ماده ۲۸ با درک شرایط و تحولات ناشی از تغییر قیمت‌ها در گذر زمان اشعار می دارد: «کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک

۱. با تصویب ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی و نیز تسری احتساب ایام بازداشت به همه مجازات‌ها از جمله جزای نقدی، رأی فوق قابلیت اجرایی ندارد.

۲. ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴ محکومیت به پرداخت جزای نقدی را از شمول قانون مزبور خارج می داند.

۳. قسمت میانی ماده ۲۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «در صورتی که مجازات مورد حکم، ... جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت ... معادل سیصد هزار (۳۰۰/۰۰۰) ریال است.» به نظر می رسد این قسمت از ماده ۲۷ منسوخ است.

۴. رجوع کنید به ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات بعدی.

مرکزی هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود لازم الاجراء می گردد.<sup>۱</sup> هیأت وزیران در ۱۱/۲۰ / ۱۳۹۸ با تجویز حاصله از ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به موجب تصویب نامه شماره ۱۵۰۱۷۹/۵۷۰۷۵، رقم ریالی جزای نقدی بدل از حبس را به یک میلیون ریال (معادل یکصد هزار تومان) افزایش داده است.<sup>۲</sup> در انگلستان، اختیار تغییر در میزان جزای نقدی به عهده وزیر کشور است که با توجه به نرخ تورم، تغییرات را اعلام می دارد (نوروزی فیروز، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

جالب آن که ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی اضافه می کند: «هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.»<sup>۳</sup> اهتمام قانون گذار این است که مدت بازداشت موقت نباید بیش از حداقل مجازات هر جرمی باشد. چنانچه مدت سه سال کمتر از میزان حبس فرد باشد و وی پیش از استهلاك کل مبلغ جزای نقدی به لحاظ محدودیت مندرج در ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از زندان آزاد شود، چنانچه میزان جزای نقدی مورد حکم از مبلغ مورد استهلاك از طریق بازداشت محکوم علیه بیش تر باشد، در فرض شناسایی اموال محکوم علیه در آینده و بعد از تحمل حبس بدل از جزای نقدی توقیف اموال مزبور برای استیفای باقیمانده جزای نقدی مورد حکم توجیه قانونی ندارد و نگهداری وی در زندان جهت استهلاك باقیمانده جزای نقدی به شرح فوق التوصیف در استعلام فاقد مجوز و بازداشت غیرقانونی است...»<sup>۴</sup>

۱. به موجب تبصره ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ اختیار تصمیم گیری در خصوص افزایش میزان ریالی جزای نقدی بدل از حبس به پیشنهاد وزیر دادگستری و رئیس قوه قضاییه بوده است. در پیشنهاد اصلاحی ماده ۲۸ افزایش رقم ریالی به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران در مورد احکامی که بعد از آن صادر یا اجرا می شود، لازم الاجرا است. عبارت «یا اجرای می شود» به متن ماده اضافه شده است.

۲. این رقم در سال ۱۳۹۵، ۴۰ هزار تومان بوده است که با گذشت مدت سه سال در میزان آن بازنگری شده است. افزایش دو و نیم برابری جزای نقدی بدل از حبس می تواند به کاهش جمعیت کیفری زندان منجر شود. به گزارش «پایگاه اطلاع رسانی دفتر هیئت دولت» هیئت وزیران در جلسه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸ به پیشنهاد وزارت دادگستری و به استناد ماده (۲۸) قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲ - مبلغ مجازات نقدی بدل از حبس، مندرج در ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲ - و مبالغ ریالی مندرج در بند (ب) ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - و تبصره (۱) آن، به ترتیب از مبلغ ۴۰۰ هزار ریال و ۳۰۰ هزار ریال به مبلغ یک میلیون ریال تعدیل نمود. ر.ک: <http://cabinetoffice.ir/fa/news/6573>

۳. این مدت قبلاً ۵ سال بوده است.

۴. نظریه شماره ۷/۹۳/۴۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۸

بنابراین، قاضی اجرای احکام، نخست باید با مطالعه پرونده مشخص سازد که آیا محکوم علیه در بازداشت بوده است یا خیر. چنانچه فرد محکوم بازداشت بوده، نسبت به کسر زمان‌های بازداشت از میزان جزای نقدی اقدام و سپس باقی مانده جزای نقدی را وصول نماید. قانون گذار در ماده ۵۲۹ این تکلیف را به عهده قاضیان اجرای احکام واگذار کرده است به طوری که مقرر می‌دارد قضات اجرای احکام موظفند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت خود اقدام کنند. پس از کسر ایام بازداشت، قاضی اجرای احکام از محکوم علیه می‌خواهد که نسبت به پرداخت باقیمانده جزای نقدی اقدام نماید. چنانچه محکوم به پرداخت جزای نقدی از رأی دادگاه تمکین نمود با پرداخت تمام یا باقیمانده جزای نقدی پرونده وی مختومه می‌گردد. چنانچه محکوم نسبت به پرداخت جزای نقدی اقدام ننماید، قاضی اجرای احکام اقدامات زیر را به ترتیب به عمل می‌آورد:

نخست آن که، قاضی اجرای احکام ابتدا باید سراغ دارایی‌های نقدی محکوم علیه برود. دوم، چنانچه اموال و دارایی نقدی از محکوم علیه به دست نیامد، اقدام به توقیف اموال و دارایی‌های غیرنقدی به ترتیب منقول و غیرمنقول نماید. سوم، چنانچه هیچ مالی اعم از نقدی یا غیرنقدی به دست نیامد به توقیف محکوم علیه مبادرت نماید. چنانچه دادگاه بخواهد از طریق توقیف اموال محکوم علیه اقدام نماید باید مستثنیات دین را جدا نماید سپس مبلغ جزای نقدی را از حساب های بانکی محکوم علیه برداشت یا با فروش اموال و دارایی‌های نقدی و غیرنقدی وی به دریافت جزای نقدی اقدام نماید.<sup>۱</sup> در حال حاضر، مستثنیات دین به موجب ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ مشخص شده اند که جانشین ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ گردیده است.

ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی نوتصویب برخی ابهامات مطرح در زمینه مستثنیات دین را برطرف ساخته است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا مستثنیات دین شامل اموال و دارایی‌های نقدی محکوم علیه نیز می‌شود یا خیر؟ برای نمونه، چنانچه کسی مبلغی وجه نقد دارد که آن را برای رهن منزلی به ودیعه گذاشته است، می‌توان آن را توقیف و از محل آن، جزای نقدی را برداشت کرد؟ بند «ز» ماده ۲۴ قانون جدید به این پرسش پاسخ مثبت

۱. در حقوق انگلستان، دادگاه مجری حکم می‌تواند در صورت عدم پرداخت جزای نقدی از طرف محکوم، حکم ضبط کالاهای مربوط به مجرم را صادر کند و برای تامین جزای نقدی آن‌ها بفروشد یا این که به میزان محکومیت به جزای نقدی از عواید و مقرری شخص محکوم کسر نماید. دادگاه می‌تواند دستور توقیف حقوق و درآمد مجرم را صادر کند تا بدین وسیله کارفرمای مجرم را ملزم کند که مبلغی را از حقوق و دستمزد مجرم کسر و به دادگاه بپردازد. (همتی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

داده است. ناگفته نماند که مبلغ پیش پرداخت برای رهن منزل در صورتی جزء مستثنیات دین محسوب می شود که پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و متناسب با شأن او نیز باشد (آقایی جنت مکان: ۱۳۹۴: ۱۵۴).

### ۳.۲. احتساب بازداشت قبل از صدور حکم، به جای مجازات های جایگزین حبس

قانون گذار نظام احتساب اجباری ایام بازداشت قبل از صدور حکم را به مجازات های جایگزین زندان نیز تعمیم و تسری داده است. به نحوی که ماده ۵۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد نحوه محاسبه ایام بازداشت قبلی مقرر می دارد: «در مورد محکومیت به مجازات های جایگزین حبس، ... ایام بازداشت قبلی موضوع ماده ۵۱۵ به شرح زیر محاسبه می شود:

الف- به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می شود.

ب-...» در اصلاحات پیشنهادی ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در مورد محکومیت به مجازات های جایگزین حبس یا اقامت اجباری در محل معین، به ازای هر روز بازداشت قبلی، دو روز جزای نقدی روزانه، ۴۸ ساعت خدمات عمومی رایگان و ۱۰ روز از دوره مراقبت یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا اقامت اجباری در محل معین و ... پیش بینی شده است.

### ۴.۲. احتساب مدت تعلیق از خدمت به جای مدت محکومیت به انفصال موقت

جالب آن که قانون گذار، نظام احتساب مدت بازداشت موقت قبل از صدور حکم را طوری توسعه بخشیده که به مجازات انفصال از خدمات دولتی هم تسری داده شده است. به موجب تبصره ماده ۵۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «مدت زمانی که محکوم علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفصال موقت کسر می شود.» منظور از الزامات قانونی مقرر در تبصره بالا موارد انفصال موقت به صورت اجباری است به عبارت دیگر، مواردی است که به موجب مقررات قانونی افراد متهم قبل از صدور حکم قطعی باید به صورت موقت از خدمت دولتی منفصل ( نظیر ماده ۷ و تبصره ۴ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) شوند. قانون گذار مشخص نساخته است که چنان چه فردی قبل از صدور حکم به انفصال موقت از خدمت، مدتی را در حبس گذرانده باشد آیا می توان مدت حبس را از مدت انفصال موقت وی کسر کرد یا خیر.

۱. این اصلاحات هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

به نظر می‌رسد کسر مدت بازداشت موقت، قبل از صدور رأی از میزان مجازات، وظیفه دادگاه صادرکننده رأی می‌باشد. این مفهوم از عبارت ماده ۲۷ که مقرر می‌دارد: «مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود ...» استنباط و برداشت می‌شود. بنابراین، در صورتی که دادگاه این کار را نکند قاضی اجرای احکام باید مراتب را به دادگاه جهت تصحیح حکم، تذکر دهد. ماده ۵۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد: «چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک های موضوع مواد فوق اقدام می‌کند.» تسری حکم ماده ۲۷ به سایر کیفرها نظیر محرومیت از حقوق اجتماعی<sup>۱</sup> و تبعید محل اختلاف می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به تعیین مجازات‌هایی که مدت بازداشت قبلی می‌تواند جای‌گزین آن‌ها گردد تسری حکم این ماده به سایر مجازات‌ها موردنظر قانون‌گذار نبوده است هر چند این امر با مقتضای عدالت ناسازگار می‌باشد.<sup>۲</sup>

## ۵. ۲. ترتیب کسر ایام بازداشت قبلی در صورت تعدد مجازات‌ها

قسمت آخر ماده ۲۷ پیش‌بینی کرده است که چنانچه شخصی به سه مجازات حبس، شلاق و جزای نقدی محکوم شده باشد، احتساب حبس قبل از بازداشت به جای مجازات‌های مذکور به ترتیب به جای حبس، شلاق و جزای نقدی خواهد بود.<sup>۳</sup> هم چنین ماده ۲۹ ق.م.ا در مورد نحوه اجرای بازداشت بدل از جزای نقدی آورده است: «هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود که از حداکثر

۱. در مورد کسر ایام بازداشت موقت از مدت محرومیت از حقوق اجتماعی در اصلاحات پیشنهادی ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مشخص شده است.

۲. ناگفته نماند، طرح اصلاح ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به قضات اختیارات صلاحیددی بیش تری داده است و قاضی می‌تواند این ارفاق قانونی را حسب مورد نسبت به هر مجازاتی صلاح بداند، محاسبه کند. متن ماده پیشنهادی به شرح زیر است: «در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده وی مطرح بوده، بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت معادل سه ضربه یا پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی است. ... هم چنین، در مورد محکومیت به مجازات‌های چابگزین حبس یا اقامت اجباری در محل معین، به ازای هر روز بازداشت قبلی، دو روز جزای نقدی روزانه، ۴۸ ساعت خدمات عمومی رایگان و ۱۰ روز از دوره مراقبت یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا اقامت اجباری در محل معین کسر می‌شود. ...» به نظر می‌رسد قسمت نخست ماده پیشنهادی زاید می‌باشد و بهتر است قانون‌گذار آن گونه که در ماده ۲۸ مشخص ساخته، تغییر در میزان جزای نقدی متناسب با تورم را به عهده هیات وزیران قرار دهد.

۳. جالب آن که در ماده ۲۷ اصلاحی آمده: «چنان چه مجازات متعدد باشد، مقام قضایی می‌تواند حسب مورد آن را نسبت به حبس یا شلاق یا جزای نقدی محاسبه کند. ...»

مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.» حکم این ماده نیز در قسمت دوم ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ آمده بود. تنها تفاوت این دو ماده آن است که در ماده یک حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی نباید بیش از ۵ سال باشد حال آنکه در ماده ۲۹ حداکثر آن به ۳ سال تقلیل یافته است. قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ منسوخ است. همین طور ماده ۳۷۷ ق.آ.د.ک در یک حکم استثنایی مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.»

این ماده در راستای انسانی کردن مقررات زندان پیش‌بینی شده است زیرا ممکن است کسی به موجب حکم غیرقطعی محکوم شود و تا زمان رسیدگی و صدور حکم قطعی میزان بازداشت وی در زندان، از حداکثر میزان مجازات قانونی بالاتر رود، از این رو قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است که حتی اگر حکم غیرقطعی هم باشد برای جلوگیری از باقی ماندن محکوم در زندان، مراتب به زندان اعلام گردد. با توجه به مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد موجهی برای اعمال قسمت آخر ماده ۲۷ باقی نماند.

### ۳. تسری نظام احتساب در دادرسی‌های کیفری اختصاصی

یکی از موضوعاتی که قابل بحث و بررسی است این است که آیا احتساب مدت بازداشت قبل از صدور حکم در دادگاه‌های اختصاصی نظیر دادگاه‌های نظامی یا محکومان سازمان تعزیرات حکومتی قابل اعمال است؟ تبصره ماده ۳۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ محکومیت‌های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی را تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاه‌ها یعنی مواد ۴۸۴ تا ۵۵۰ می‌داند. در نتیجه تمامی مقررات مربوط به محکومان سایر دادگاه‌ها، در مورد محکومان تعزیرات حکومتی نیز اجرا می‌شود. اعمال احتساب مدت بازداشت قبل از صدور حکم در مورد محکومان دادگاه‌های نظامی به دو صورت پیش‌بینی شده است. نخست، ماده ۶۴۱ به صراحت احتساب ایام بازداشت قبلی را به شرح زیر پیش‌بینی کرده است: «علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در قانون، در مورد محکومیت به مجازات‌های زیر، ایام بازداشت قبلی به شرح زیر محاسبه می‌شود:

الف - کسر سه روز از مدت اضافه خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی

ب - کسر چهار روز از مدت انفسال موقت از خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی

پ - کسر پنج روز از مدت محرومیت از ترفیع به ازای هر روز بازداشت قبلی تبصره - در مورد محکومیت به کسر حقوق، احتساب ایام بازداشت قبلی، برابر مقررات مربوط به محکومیت به جزای نقدی است.

منظور از عبارت «علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در قانون» موارد مذکور در مواد ۵۱۵ تا ۵۱۷ می‌باشد؛ دوم، ماده ۶۴۸ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرایم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.» چون در مورد احتساب مدت بازداشت موقت مقررات خاصی در قانون در مورد محکومان دادگاه‌های نظامی پیش‌بینی نشده، از این رو مقررات مربوط به بخش اجرای احکام کیفری به‌ویژه مواد ۵۱۵ تا ۵۱۷ در مورد محکومان دادگاه‌های نظامی نیز اجرا می‌شود.

با توجه به ابهام احتمالی مراجع قضایی در خصوص اعمال نظام احتساب مذکور در ماده ۲۷ به بعد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص محکومان به مواد مخدر، تبصره ماده ۱۰ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۵ اشعار می‌دارد: «مقررات مندرج در مواد ۲۷ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد محکومان کلیه جرائم از جمله جرائم مواد مخدر جاری ... می‌باشد.» به نظر می‌رسد چنان‌چه تبصره مزبور نیز تصویب نمی‌شد با توجه به عموماً قانون و برابری اشخاص و محکومان در مقابل قانون، منعی برای احتساب ایام بازداشت قبلی در خصوص محکومان مواد مخدر وجود نداشته است. قانون‌گذار در مورد اشخاصی که قبل از محاکمه و مجازات در ایران، در یک کشور یا کشورهای دیگر در بازداشت بوده‌اند مقرراتی وضع نکرده است.

یکی از مسائلی که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به وضوح روشن شده است، تکلیف قاضی اجرای احکام کیفری به کسر ایام بازداشت قبلی در صورت عدم احتساب آن از سوی قاضی صدور حکم می‌باشد.<sup>۱</sup> به موجب ماده ۵۱۷: «چنان‌چه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک‌های موضوع مواد فوق اقدام می‌کند.» هم‌چنین به موجب ماده ۵۱۸: قاضی اجرای احکام مکلف است قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. رئیس

۱. در اصلاحات پیشنهادی ماده ۲۷ قضاات اجرای احکام موظف شده‌اند بر رعایت مراتب فوق به هنگام اجرای مجازات نظارت کنند و در صورت عدم رعایت، خود اقدام کنند. قسمت پایانی ماده مقرر می‌دارد: ... قضاات اجرای احکام موظفند بر رعایت مراتب فوق به هنگام اجرای مجازات نظارت کنند و در صورت عدم رعایت، خود اقدام کنند.»

زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند. « جالب تر از همه ضمانت اجرایی است که در تبصره ماده ۵۱۸ برای تخلف از حکم ماده در نظر گرفته شده است تبصره مقرر می دارد: « در صورتی که تخلف از این ماده منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق مواد (۵۶) و (۲۱۱) این قانون مسؤول پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم علیه است.»<sup>۱</sup>

#### ۴. انتقال نظام احتساب به محکومان دادگاه های کیفری بین المللی

همان گونه که گفت شد، رویکرد احتساب مدت بازداشت موقت قبل از صدور حکم در اسناد و رویه قضایی بین المللی نیز نمایان شده است. ماده ۷۸(۲) اساس نامه دیوان کیفری بین المللی ذیل عنوان « تعیین مجازات » اشعار می دارد: « در اعمال مجازات حبس، دیوان مدت قبلی بازداشت محکوم علیه بر اساس دستور دیوان را ( در صورتی که وجود داشته است) از مدت حبس کسر خواهد نمود. « جالب آن که اساس نامه کسر مدت را به مدت بازداشت قبلی بر اساس دستور دادگاه محدود نساخته است و اضافه می کند: « ... دیوان می تواند هر مدتی که محکوم علیه به هر نحو دیگری در ارتباط با عمل متضمن جنایت مذکور در توقیف بوده، را نیز از مدت حبس وی کسر کند. « منظور از عبارت «به هر نحو دیگر در ارتباط با عمل متضمن جنایت مذکور» در ماده ۷۸(۲) این است که محکوم قبل از تحویل به دیوان کیفری بین المللی در شهر لاهه هلند در کشور متبوع خود یا کشور ثالثی در بازداشت به سر برده باشد.

همچنین رویه قضایی دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق نشان می دهد که این دادگاه نیز با الهام از ماده ۱۰۱ (ج) آیین دادرسی و ادله مدت زمانی را که متهم قبل از انتقال به دادگاه یا پیش از محاکمه و صدور حکم در بازداشت بوده، در نظر گرفته است. شعب بدوی و تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده های متعدد مدت زمان بازداشت قبل از صدور حکم را مدنظر قرار داده اند. برای نمونه در پرونده شخصی به نام زیلونوویچ دادگاه اشعار داشته «از هر زمانی که وی در راستای این پرونده در بازداشت بوده، باید مورد توجه قرار گیرد (نژندی منش، ۱۳۹۴: ۱۱۹). با توجه به این که ممکن است محل اجرای حبس برخی محکومان دادگاه های کیفری

۱. قانون گذار چگونگی تعیین میزان خسارت ناشی از حبس اضافی و مرجع تعیین آن را مشخص نساخته است. به نظر می رسد در این مورد می توان به مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ استناد کرد. بهتر می بود قانون گذار ترتیبات مذکور در مواد فوق را در اینجا مجری می دانست.



بین‌المللی در کشورهای غیر از محل استقرار دادگاه باشد، در نتیجه، اجرای حکم محکومیت، تابع قوانین کیفری مربوط به اجرای مجازات‌ها در کشور محل تحمل زندان می‌باشد (کرایر، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

### نتیجه‌گیری

مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده پیرامون موضوع مورد بحث نشان می‌دهد که قانون در سال‌های اخیر گام‌های خوب و مثبتی را در این زمینه برداشته است و در عین حال کاستی‌هایی هم در این نظام مشاهده می‌شود که ضروری است قانون‌گذار در اصلاحات پسینی به آن‌ها توجه کند و ابهامات قانونی را مرتفع سازد. شفاف‌سازی مقررات مربوط به احتساب ایام بازداشت قبلی به ویژه با توجه به اصلاحات پیشنهادی امری مستحسن و نیکو است و گامی در راستای اصل کیفیت قانونی تلقی می‌شود.

توسعه و گسترش نظام احتساب مدت بازداشت قبل از صدور حکم بر مبنای رویکردی انسانی و حقوق بشری صورت گرفته است که از سوی قانون‌گذار قابل ستایش است. قضات دادگستری نیز باید هنگام تفسیر قوانین کیفری پیشینه مقررات فوق و به‌ویژه آراء دیوان عالی کشور را در این زمینه مدنظر قرار دهند. از طرف دیگر، پراکندگی و وجود احکام قانونی متفاوت و معارض در ظرف یک سال برای موضوعات واحد از نظر قانون نویسی امری ناسزاوار و قبیح تلقی می‌شود و حکایت از وجود مراجع متعدد قانون‌گذاری و ناپیوندهای فراوان در این زمینه دارد. علت این امر هم نبود یک مطالعه جامع در خصوص سوابق و پیشینه قانون‌گذاری و نیز شناسایی مقررات جاری می‌باشد. البته، تصریح به برخی مسایل و رفع پاره‌ای از ابهامات قانونی از محاسن قانون جدید می‌باشد. هم‌چنین محدودسازی اعمال ماده ۲۷ به جرایم تعزیری و استثناء کردن جرم‌های حدی و افزون بر آن، تعزیرات منصوص شرعی با مبانی عقلی و منطق حقوقی چندان هماهنگی ندارد. گسترش نظام احتساب به قلمرو انفصال موقت از خدمت امری مستحسن است و بهتر بود قانون‌گذار احتساب ایام بازداشت موقت را به مجازات‌های محرومیت‌های از حقوق اجتماعی نیز تسری و تعمیم می‌داد. تسری نظام ارفاق‌آمیز احتساب ایام بازداشت قبلی به جای مجازات‌ها، به قلمرو دادرسی‌های اختصاصی به منظور یکسان‌سازی نظام قضایی و برقراری عدالت قانونی و انصاف مناسب به نظر می‌رسد. انتقال هنجارهای قانون‌گذاری و رویه قضایی ملی در خصوص احتساب ایام بازداشت قبلی به قلمرو دادگاه‌های کیفری بین‌المللی امری معقول و پسندیده به شمار می‌رود.

## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۶۹)، **آیین دادرسی کیفری**. جلد سوم، تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقابلی خت مکان، حسین (۱۳۹۴)، **حقوق کیفری عمومی**. جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، **حقوق کیفری عمومی**. جلد چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
- آشوری، محمد (۱۳۹۲)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، انتشارات سمت
- احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۷)، **اجرای احکام کیفری**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۱)، **فرایند دادرسی کیفری**، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- کرایر، رابرت و همکاران (۱۳۹۳)، **درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین المللی کیفری**، جلد اول، تهران: انتشارات مجد.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۸)، **اجرای احکام کیفری**. جلد چهارم، نشر میزان
- نژندی منش، هیبت ا... (۱۳۹۴)، **حقوق بین المللی کیفری در رویه قضایی**. انتشارات خرسندی.
- همتی، مریم (۱۳۹۱)، «اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۲۱، ص ۱۹۱-۱۷۷.
- یوسفی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «یادداشتی بر رأی صادره در موضوع عدم کسر مدت بازداشت موقت از مجازات قضایی در جرایم تعزیری منصوص شرعی»، **فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی**، وابسته به پژوهشگاه قوه قضاییه، شماره ۱۱، ص ۱۱۰-۱۰۵.